

به نام پروردگاریکتاب،

# الخراج

ابویوسف یحییٰ بن ابراهیم

مقدمه، ترجمه و تبیین

سید محمدرحیم ربانی راده



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۹



## پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۸۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

### الخراج

مؤلف: ابویوسف یعقوب بن ابراهیم

مقدمه، ترجمه و تعلیق: سید محمدرحیم ربانی زاده

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

ویراستار مقابله‌ای: مرتضی تسلیمی پاک

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ: صحافی: آوای خاور

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: ابویوسف قاضی، یعقوب بن ابراهیم، ۱۳-۲

عنوان قرارداد: الخراج، فارسی

عنوان و نام پدیدآور: الخراج/ ابویوسف یعقوب بن ابراهیم، ترجمه و تعلیق

سید محمدرحیم ربانی زاده؛ ویراستار مقابله‌ای مرتضی تسلیمی پاک

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مشخصات ظاهری: ۲۸۶ ص.

شابک: 1-630448-622-978

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: مالیات اسلامی -- قرن ۳-۲ ق.

موضوع: Taxation -- Islamic countries -- 8-9th centuries

موضوع: مالیات بر ارزش زمین (فقه) -- قرن ۳-۲ ق.

موضوع: Land value taxation (Islamic law) -- 8-9th centuries

موضوع: اموال غیرمنقول -- مالیات (فقه)

موضوع: Real property tax (Islamic law)

شناسه افزوده: ربانی زاده، سید محمدرحیم، مترجم، مقدمه نویس

شناسه افزوده: تسلیمی پاک، مرتضی، ۱۳۶۶-، ویراستار

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: BP۲۳۰/۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳۳

شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۹۷۶۲۰

## فهرست مطالب

فهرست مطالب	۳
بسم الله الرحمن الرحيم	۷
مقدمه مترجم	۷
کتاب ابویوسف برای یارون ال سید	۲۳
فصل اول: تقسیم غنائم	۴۷
فصل دوم	۵۵
قسمت اول: احکام فی و خراج	۵۵
قسمت دوم: حکم عمر بن خطاب در خراج مرام سواد عراق	۶۱
قسمت سوم: حکم خراج زمین های شام و جزیره	۷۳
قسمت چهارم: کیفیت تقسیم بیت المال عصر خلافت عمر بن خطاب	۷۶
قسمت پنجم: اعمالی که شایسته است در اراضی سواد به آن عمل شود	۸۲
فصل سوم: احکام زمین های اقطاع	۹۳
قسمت اول: زمین های اقطاعی سواد عراق	۹۳
قسمت دوم: حکم زمین های اقطاعی جزیره العرب	۹۴
قسمت سوم: حکم خراج درباره خراج	۹۵
قسمت چهارم: حکم خراج زمین های بصره و خراسان	۹۵
فصل چهارم	۱۰۱
قسمت اول: درباره اسلام آوردن بعضی از کفار حربی و اعراب بادیه نشین به منظور حفظ اموال و اراضی شان در پناه اسلام	۱۰۱
قسمت دوم: حکم زمین های موات فتح شده یا صلح یا لشکر کشی و دیگر زمین های موات	۱۰۲
قسمت سوم: حکم منع ورود مردان به منازلشان	۱۰۸
فصل پنجم	۱۱۱

۱۱۱	قسمت اول: حکم روستاها و شهرهای مفتوحه و زمین‌های آنان
۱۱۲	قسمت دوم: حکم زمین عشر و زمین خراج
۱۱۳	قسمت سوم: حکم آنچه از دریا خارج می‌شود
۱۱۳	قسمت چهارم: حکم غسل، گردو، و بادام
۱۱۵	فصل ششم
۱۱۵	قسمت اول: ماجرای حکم نجران و ساکنان آن
۱۱۹	قسمت دوم: حکم اموال مشمول زکات
۱۲۵	فصل هفتم
۱۲۵	قسمت اول: احکام افزایش و کاهش زکات و زمین‌های حاصل خیز
۱۳۳	قسمت دوم: حکم تیدار زمین خراج به زمین عشر
۱۳۳	قسمت سوم: حکم فروش ماهی در بیشه‌زار
۱۳۴	قسمت چهارم: حکم اجاره زمین‌های ویران و نخلستان‌ها
۱۳۸	قسمت پنجم: حکم اجاره دجله و فرات و عقب‌نشینی آب آن‌ها
۱۴۱	فصل هشتم
۱۴۱	قسمت اول: حکم خراج قنات و رودها و آب‌های آشامیدنی
۱۴۶	قسمت دوم: حکم اجاره زمین‌های ساحل دجله و فرات
۱۵۰	قسمت سوم: حکم مرغ‌زارها و چراگاه‌ها
	قسمت چهارم: حکم ضمانت‌نامه گرفتن از اراضی سرزمین و دیگر اقامات ضروری از سوی فرمان‌داران
۱۵۴	
۱۷۱	فصل نهم
۱۷۱	قسمت اول: درباره مسیحیان بنی‌تغلب و دیگر اهل ذمه و نحوه رفتار با آن‌ها
۱۷۳	قسمت دوم: حکم جزیه اهل ذمه
۱۷۴	قسمت سوم: کسانی که جزیه بر آن‌ها واجب نیست
۱۷۹	قسمت چهارم: درباره کیفیت لباس اهل ذمه و زیورآلات آن‌ها
۱۸۱	قسمت پنجم: حکم جزیه مجوسان و بت‌پرستان و ازدین خارج‌شدگان
۱۸۵	فصل دهم
۱۸۵	قسمت اول: حکم خراج عشور
۱۹۱	قسمت دوم: حکم مراکز عبادت اهل ذمه و صلیب‌های مسیحیان
۲۰۵	فصل یازدهم: حکم اشرار و دزدان و جنایت‌کاران و میزان مجازات آن‌ها

فصل دوازدهم .....	۲۴۱
قسمت اول: حکم مرتدان از دین اسلام .....	۲۴۱
قسمت دوم: حکم ارزاق والیان و قضات .....	۲۴۹
قسمت سوم: حکم سربازانی که از بلاد خود خارج و وارد سرزمین مسلمانان می‌شوند .....	۲۵۱
	۲۴۹
قسمت چهارم: حکم جاسوسان .....	۲۵۱
قسمت پنجم: حکم نبرد با مشرکان و یاغیان و چگونگی دعوت آنان به اسلام .....	۲۵۴
منابع به کار رفته در تعلیقات .....	۲۸۵

www.ketab.ir

## بسم الله الرحمن الرحيم

### مقدمه مترجم

وسعت قلمرو اسلامی و بسط و نفوذ آن در قرن‌های دوم و سوم هجری قمری مشاغل اداری متعددی را، به‌خصوص در زمینه امور خراج، به‌وجود آورد؛ در این مورد طبعاً مسلمانان می‌توانستند از تنظیمات دولت‌های سابق بهره‌گیری کنند. چنان‌که در ایران از طومارهای خسرو انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹م) در کار مابین زمین‌ها استفاده کردند، ولی اوضاع جدید مستلزم فراهم آوردن اطلاعات دقیق و درست از تقسیم ولایات و مناطق مسکونی، محصولات کشاورزی و صنعتی، و تعیین خراج و مالیات‌های جنسی و نقدی بود. برای این منظور کتاب‌هایی خاص پدید آمدند که عنوان «کتاب الخراج» داشتند و راه‌نمای فرمان‌روایان و کارکنان دستگاه دولت و مأموران خراج بودند. به سرعت در دسترس همگان قرار گرفتند.<sup>۱</sup> درباره تاریخچه تأسیس دیوان‌ها می‌توان به این موضوع اشاره کرد که بعد از این‌که حکومت دینی در هر کجا پا بگیرد، به تبعیت از آن، مردم و اجتماعات در آن‌جا حضور به هم می‌رسانند و مؤسسات گوناگونی پیدا می‌شوند و نهادهایی تازه در آن‌جا شکل می‌گیرند که اساس کارشان سامان‌دهی شئون افراد جامعه است و قصدشان تنظیم علاقه‌ها و وابستگی‌های مردم به یک‌دیگر و نیز تنظیم وابستگی‌های

۱. ایگناتی یولیانوویچ کراچکوفسکی. تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده.

دولت به مردم و برعکس و برقراری رابطه بین درخواست کمک دولت از مردم و تصدی کارهای دولتی است تا برای حکومت در سیمت‌های گوناگون ادای وظیفه کنند. هنگامی که مؤسسات و نهادهای گوناگونی پیدا شوند قطعاً دولت به آنها نیاز پیدا می‌کند تا بتواند امور داخلی خود را به کمک آنها سامان دهد و رابطه خودش را با دولت‌های همسایه تنظیم کند؛<sup>۱</sup> از این جاست که می‌توان ادعا کرد تحولات دولت با پیدایش این نهادها و انواع تحولات ایجادشده در آنها مناسب و هماهنگ است. از آن‌جاکه دولت در کار سامان‌دهی امور جدید متأثر از گذشته است، اثرپذیری جوامع آینده از گذشته واضح می‌نماید و این اثرپذیری را در جامعه یا جوامع جزیره عربی قبل از اسلام و بعد از دولت عربی - اسلامی نیز به وضوح مشاهده می‌کنیم.

در جامعه آن از سام نیز مؤسساتی تأسیس شدند که با طبیعت حیات جامعه سازگار بودند، با تأسیس قاری که در قبیله قریش یا یکی از شاخه‌های آن در دارالندوه نماینده داشتند. آن‌ها مجلس نوری ممتازی به همین جامعه داشتند که به دست و به اراده همین گروه‌ها تکوین یافته بود و هر گروهی در آنجا مسئولیت ویژه‌ای داشت؛ مانند آب‌دادن به تاجران اطراف کعبه در ایام حج و سلامت‌رسانی به آنان که دو سیمت مهم سقایت و رفادت را تشکیل می‌دادند و تجلی‌گاه قدرت دین و زندگی آنها بود.<sup>۲</sup>

این گروه‌ها پایه و اساس قدرت را در زندگی تیره‌های مکه تشکیل می‌دادند و جنگ و صلح را در زمان تعرض و تهدید نیروهای خارج از سرزمین عربی می‌کردند. پیامبر خدا (ص) دولتی را در مدینه منوره تأسیس کرد و سپس آن دولت را سرش یافت تا این‌که همه شهرهای حجاز را تحت سلطه خود درآورد. دولت مردان مکه و کربلا اسلامی از همان آغاز تشخیص دادند که به تعدادی کاتب احتیاج دارند؛ شخص پیامبر بعداً بسیاری کاتب داشت که هر کدام از کاتبان در نوع خاصی از اقسام کتابت تخصص داشتند؛ حسن دیگر آنان علاوه بر تخصص این بود که هر کدامشان یک یا چند نفر جانشین و سبب‌مقام داشتند که در زمان غیبت کارهای آنان را انجام می‌دادند. از کاتبان وحی گرفته تا دیگر کاتبان مخصوص پیامبر که نیازهای شخصی او را می‌نوشتند؛ بعضی از کتّاب واقعه‌نگار بودند و حوادث و اتفاقات بین مردم را یادداشت می‌کردند، عده‌ای از آنان حوادث بین قبیله‌ها و نحوه تقسیم

۱. عبدالعزیز الدوری، مقدمه فی تاریخ صدر الإسلام، بغداد: د. ن، ۱۹۴۹، ص ۷۰-۷۱؛ ابوالقاسم اجتهادی،

«تحقیقی درباره خراج»، مجله مقالات و بررسی‌ها، شماره ۵ و ۶، ۱۳۵۰، ص ۲۵-۵۵.

۲. همان، ص ۷۱.

آب بین آنان را تحریر می‌کردند، بعضی دیگر غنائم جنگی پیامبر را ثبت می‌کردند، یک یا چند نفر از آنان نامه‌های پیامبر را برای پادشاهان ممالک دیگر می‌نوشتند، و دیگر کاتبان در زمینه‌های گوناگون کتابت می‌کردند.

در دوران خلافت عمر بن خطاب حکومت عربی - اسلامی توسعه پیدا کرد و تمامی جزیره عربستان و شهرهای شام و عراق و جزیره فراتیه و مصر در قلمرو حکومت اسلامی قرار گرفتند. پس از فتح این شهرها و کشورها، اداره فتوحات اسلامی و مدیریت آن‌ها بدون داشتن دیوان و کاتب مقدور نبود، کشورداری و برپایی حکومت و دیوان و کاتب و داشتن مؤسسات اداری یک ضرورت بود؛ به همین علت، نیاز شدید به تأسیس دیوان و آموزش کاتبان و تربیت نیروهای تخصصی برای هر دیوان احساس می‌شد؛ توجه به کتاب و آموزش کاتبان آغاز خلافت عمر شد. دیوان خراج و دیوان نیروهای مسلح، یعنی ارتش، شکل گرفت. دیوان خراج در ابتدا به زبان رایج مردم استان‌ها و شهرهای قبل از فتح مسلمانان اداره می‌شد. <sup>۱</sup> زیرا نویسندگان و مترجمان دیوان خراج در شهرهایی که مردمش عرب نبودند از اهالی همان شهر انتخاب می‌شدند؛ مانند زبان فارسی در بصره و کوفه و زبان اهل ذمه یا کسانی که یونانی را خوب می‌دانستند در بلاد شام و زبان قبطی یا یونانی در مصر. <sup>۲</sup>

این روش ادامه داشت تا زمان خلافت عبدالملک مروان (۶۵-۸۶ق / ۶۸۵-۷۰۴م)؛ در زمان او کار به گونه‌ای دیگر اداره می‌شد. او نخست دستور داد تا اسناد در دسترس را به عربی ترجمه کنند؛ در نتیجه، همه اسناد دیوان خراج در شهرهای شام و مصر و عراق به عربی تبدیل شد و این برگردان به عربی تا زمان هشام بن عبدالملک به طول انجامید (۱۰۵-۱۲۵ق). اکثر کاتبان دیوان خراج در خراسان مجبور می‌شدند و همه اسناد و محاسباتشان به فارسی بود تا این که، بنا به نقل جهشیاری، والی عراق همه آن‌ها را با یکی به نام سلیمان طیار به والی خراسان (نصر بن سیار) فرستاد و در آن نامه دستور داد که هیچ کس از مشرکان را برای انجام دادن کارهای اداری و کتابت و منشی‌گری استخدام نکند. نصر بن سیار هم همه اسناد دیوان‌ها را به عربی تبدیل کرد و کار ترجمه را فردی به نام اسحاق بن ظلیق کاتب از قبیله بنی‌نهشل انجام می‌داد. <sup>۳</sup>

۱. سید امیرعلی، مختصر تاریخ العرب و التمدن الاسلامی، ترجمه ریاض رأفت، القاهرة: د.ن، ۱۹۳۸، ص ۳۵۹؛ جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه و نگارش علی جواهرکلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۳، ص ۲۱.

۲. همان، ص ۳۵۹.

۳. محمد بن عبدوس جهشیاری، الوزراء و الکتاب، بیروت: دار الفکر الحدیث، بی تا، ص ۳۴.